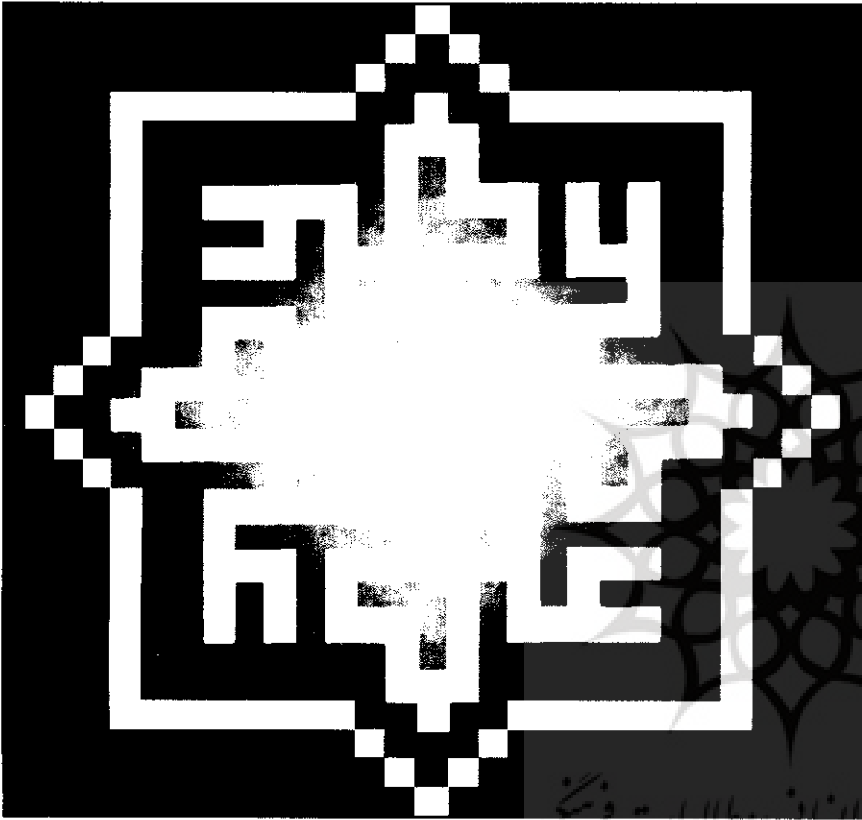




# حرکت تاریخ عند الامام علی (ع)، دراسة فی نهج البلاغه



○ حرکت تاریخ عند الامام علی علیه السلام،

دراسة فی نهج البلاغه

○ محمد مهدی شمس الدین

○ چاپ اول، تهران، بنیاد نهج البلاغه

○ محمدرضا ناجی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شمس الدین، از علمای برجسته لبنانی است که عمری را به تحقیق و تألیف و تبلیغ و مبارزه گذراند و سرانجام در ۱۵ شوال ۱۴۲۱ ق. به جوار رحمت حق پیوست. کتابی که اینک به معرفی آن می پردازیم، از آثار ارزشمند این عالم بزرگوار است که در ۴ شعبان ۱۳۹۸ ق / ۹ ژوئیه ۱۹۷۸ در روستای کیفون از توابع شهرستان عالیه استان جبل لبنان تألیف آن به پایان رسیده است و ترجمه آن به قلم نویسنده این سطور (محمدرضا ناجی) با عنوان حرکت تاریخ از دیدگاه امام علی علیه السلام آن شاء الله به مناسبت عید غدیرخج، ضمن انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی منتشر خواهد شد. شماری دیگر از تألیفات آن عالم فقید از این قرار است:

۱. نظم الحکم و الادارة فی الاسلام، قم، دارالتقافة، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م؛ ترجمه مرتضی آیت الله زاده شیرازی، با عنوان نظام حکومت و مدیریت در اسلام، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲. انصار الحسین (ع)، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م؛ ترجمه ناصر هاشم زاده، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش (چاپ دوم).
۳. ثورة الحسین (ع) ظروفها الاجتماعية و آثارها الانسانية، چاپ ششم، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م؛ ترجمه مهدی پیشوایی، با عنوان

کتاب حرکت تاریخ عند الامام علی علیه السلام، تحقیقی است براساس نهج البلاغه و مؤلف در آن موضوع «حرکت تاریخ» را در پرتو خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار امام همام، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب، مورد مطالعه قرار داده است. این کتاب پس از مقدمه و گفتارهایی مقدماتی پیرامون تاریخ و حرکت پیشرفت بشر و دیدگاه اسلام؛ امام رو در رو با تاریخ؛ تاریخ از دیدگاه امام علی (ع) در زمینه وعظ و اندیشه و سیاست، شامل سه فصل زیر است: تاریخ در زمینه وعظ؛ تاریخ در زمینه اندیشه؛ و تاریخ در زمینه سیاست. مؤلف دو فصل پایانی را با تأکید و تفصیل بیشتری به بحث نهاده است. فصل «تاریخ در زمینه اندیشه» شامل مباحث زیر است: نبوتها (آغاز عصر تاریخی انسان، نقش نبوت)، خودآگاهی تاریخی، تاریخ تکرار می شود، نابودی نسل های پیشین و عوامل انحطاط ملت ها، معروف و منکر و اکثریت خاموش.

در فصل «تاریخ در زمینه سیاست» نیز مباحث زیر مطرح شده است: حرکت تاریخ در شکل مشارکت اجتماعی - انقلابی، فتنه (فتنه فراگیر، فتنه انقافی، فتنه غالب)، پیروزی حرکت ارتداد، رنج و محنت، انقلاب، امید. نویسنده کتاب، علامه محقق، زنده یاد شیخ محمد مهدی



لیکن اسلام میان نیازهای روحی و وضعیت اخلاقی انسان از یک سو و نیازها و آرمان‌های مادی او از سوی دیگر توازن برقرار می‌کند و به پیشرفتی همه جانبه فرامی‌خواند. این دیدگاه متوازن و متعادل است که باید مبنای حرکت تاریخی انسان گردد و بنیادهای تمدن در پرتو آن بنا شود.

فصل «امام رو در رو با تاریخ» توجه امام را به تاریخ و نحوه تعامل آن حضرت را با تاریخ به بحث نهاده است. امام چنانکه خود بیان می‌دارد و هم سخنان او در موضوعات مختلف گواهی می‌دهد، توجه فراوانی به تاریخ نشان داده است. البته توجه امام به تاریخ نه چون قصه‌گویی است که در پی سرگرم ساختن مخاطبان است و نه مانند سیاستمداری است که در پی روش‌هایی برای تحکیم سلطه خویش است. بلکه توجه امام به تاریخ، توجه انسانی صاحب رسالت و عقیده و رهبری فرهنگ ساز و اندیشمندی آینده‌نگر است که تاریخ را می‌کاود تا ریشه‌های مشکل انسان را دریابد و حل کند و توان او را در راه تکامل مادی و معنوی و نیل به سعادت تقویت نماید. این مطلب در سفارش امام (ع) به فرزندش امام حسن (ع) به روشنی دیده می‌شود. برای این منظور امام کمتر به جزئیات وقایع می‌پردازد و با دیدی کلی به تاریخ و حوادث تاریخی می‌نگرد.

امام شناخت تاریخی خود را از منابعی چند برگرفته است: قرآن کریم، که ضمن بیان سرگذشت پیامبران و امت‌ها، به علل ترقی و انحطاط و نابودی نسل‌های پیشین پرداخته است. تعلیم خاص پیامبر (ص) به علی، از دیگر منابع معرفت تاریخی امام است. علی (ع) همچنین داناترین مردم به سنت پیامبر (ص) بود و از این رهگذر دانشی بی‌مانند داشت. به علاوه گمان می‌رود امام مطالبی مدون از ملل دیگر را به ویژه پس از انتقال از حجاز به عراق، خوانده یا شنیده باشد. افزون بر اینها، مشاهده آثار عمرانی ملت‌های کهن از جمله منابع معرفت تاریخی امام بوده است.

پس از این، مؤلف به بیان فایده عملی تاریخ پرداخته است. وی می‌گوید: زندگی انسانی به لحاظ اصول و عناصر اساسی و انگیزه‌ها، در تمام افراد بشر و در همه زمان‌ها و مکان‌ها یکسان است. در واقع مطالعه و بازنگری تاریخ می‌تواند ما را در یافتن پاسخ‌هایی درست و منطقی برای حل مشکلات کنونی یاری رساند. طبعاً محصور گشتن در چهارچوب تنگ تاریخ همان قدر زیانبار است، که گسستن مطلق از تجارب تاریخی. لذا به کارگیری متعادل تاریخ که با خردمندی و میانه‌روی توأم باشد، ما را در حرکت فعلی تواناتر و نسبت به اهمیت تصمیم‌هایی که درباره مسایل آتی اتخاذ می‌کنیم، آگاهتر و اخلاقی‌تر خواهد نمود. باتوجه به این حقیقت است که امام علی (ع) با تاریخ در زمینه‌های وعظ، اندیشه و سیاست تعامل می‌ورزد.

نویسنده در فصل «تاریخ در زمینه وعظ»، به ذکر یک نمونه از سخنان پندآموز علی (ع) در نهج‌البلاغه که توأم با مضامین تاریخی است بسنده کرده است. البته باید گفت که مواعظی که امام در آنها از عنصر تاریخ استفاده کرده، همچون دیگر مواعظ آن حضرت به زهدی منفی نسبت به زندگی دنیا دعوت نمی‌کند، بلکه بدان وسیله درصدد است تا وضع روحی خاصی از جامعه خود، یعنی شیوع روح راحت‌طلبی، ثروت اندوزی و اشرافی‌گری، را درمان نماید. مؤلف خطبه صد و یازدهم را با تأکید بر جنبه تاریخی مورد تحلیل قرار داده است.

مطالعه و بازشناسی دیدگاه امام علی (ع) در زمینه اندیشه و سیاست، بخش عمده کتاب را تشکیل می‌دهد و مؤلف ضمن دو فصل پایانی کتاب، به تفصیل در این باره بحث کرده است.

امام (ع) به عنوان پیشوایی اعتقادی، فکری و سیاسی بزرگترین دغدغه‌اش آن بود که مسلمانان را به شناختی کامل از اسلام برساند و آگاهی بالندهای از حقیقت و گوهر دین و اهداف و برنامه‌های آن به ایشان بدهد. از این رو در برنامه فکری خود در زمینه تعلیم و آگاهی بخشی، از

ارزیابی انقلاب حسین (ع)، قم، ۱۳۶۲ ش.

۴. نوره‌الحسین (ع) فی الوجدان الشعبي، بیروت، الدار الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م.

۵. پژوهشی پیرامون زندگانی امام حسین (ع)، ترجمه مهدی پیشوایی، قم، دارالتبلیغ الاسلامی.

۶. عاشورا ۱۴۰۲ هجریه، بیروت، الدار الاسلامیه، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م.

۷. دراسات فی نهج البلاغه، چاپ اول، نجف، ۱۹۵۶ م؛ چاپ دوم، بیروت، دارالزهراء، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.

۸. مَطَارِحَات فی الفکر الالحدادی و الفکر الدینی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۷۸ م.

۹. بین الجاهلیة و الاسلام، بیروت.

۱۰. العلمانیة، بیروت، دارالتوحید، ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م؛ ترجمه حسن

شمس گیلانی، با عنوان حکومت منهای دین، بی م، بی ن، ۱۳۶۲ ش.

۱۱. الستر و النظر، قم، مؤسسه المنار، بی ت.

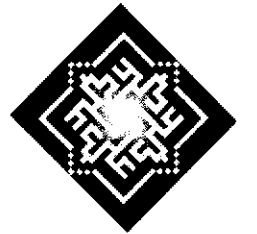
...

#### معرفی کتاب حرکت‌التاریخ عندالامام علی علیه‌السلام

مقدمه کتاب با ارائه تعریفی از تاریخ آغاز می‌شود. تاریخ در تعریفی عام، حرکت هر موجود و پدیده‌ای است در زمان و مکان. اما در تعریفی خاص، تاریخ عبارت است از علم و آگاهی به حرکت انسان در محیط او، در جریان زمان. براساس این تعریف، تاریخ، حرکت انسان را در جامعه‌ای خاص یا در چهارچوب فرهنگی ویژه و گاهی نیز حرکت انسان را در سطحی جهانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

مورخان مسلمان اندیشه جهانی را از قرآن کریم برگرفته‌اند. قرآن حرکت انسانی را از طریق پرداختن به حرکت پیامبران در میان امت‌ها و ملت‌ها تصویر کرده است. امام علی (ع) از این چشم‌انداز فراخ، و فراتر از ملاحظات جغرافیایی و قبیله‌ای و قومی به تاریخ می‌نگرد و به عنوان مرد عقیده و رسالت، و دولتمرد و حاکم با تاریخ تعامل می‌ورزد. او تاریخ را صرفاً چون منبعی برای وعظ و اندرز به کار نمی‌گیرد، بلکه از رهگذر آن، نقد سیاسی، تربیت سیاسی و توجیه فکری و فرهنگی را نیز مدنظر دارد. از این رو، مؤلف در این کتاب کوشیده است تا نگاه علی (ع) را به حرکت تاریخ روشن سازد و شیوه‌های تعامل آن حضرت را با تاریخ، در حیات فکری و سیاسی او باز نماید. منبع اصلی این تحقیق، نهج‌البلاغه است که از لحاظ فکری و سیاسی، سند گرانبهایی در تمدن اسلامی به شمار می‌آید. کتاب حرکت تاریخ از دیدگاه امام علی (ع) حلقه‌ای از یک سلسله مطالعات پیرامون نهج‌البلاغه است که مؤلف، از آن جمله کتاب دراسات فی نهج‌البلاغه را قبلاً منتشر ساخته است.

در فصل «تاریخ و حرکت پیشرفت بشر، و دیدگاه اسلام» مؤلف با این ایده اساسی آغاز می‌کند که تاریخ انسان، گونه‌ای کاملاً متفاوت با تاریخ جماد، گیاه و حیوان است. انسان در حرکت خود از موضع اختیار، و به عنوان موجودی آزاد با هستی تعامل می‌ورزد و به جهان درون و دنیای بیرون خود پاسخ می‌دهد. از این رو، تاریخ انسان همچنان که کارنامه‌ای درخشان از پیروزی‌ها و دستاوردهای او در طبیعت و اجتماع است، دقتی است اسفبار از خطاها و ناکامی‌ها، از خطاهایی که ممکن است انسان در آن بیفتد آن است که گمان کند تاریخ او نمایانگر جریانی دائماً بالنده و توأم با پیشرفت است. یا آن که بیندار گذشته او همه جهل و بدفهمی و اشتباه و عقب‌ماندگی است. آن افراط و این تفریط، بدون تردید از درک واقع‌بینانه واقعیت‌ها محروم می‌کند و به اشتباهاتی افزون‌تر می‌اندازد. چنانکه بشریت امروز، در نتیجه این دیدگاه‌ها، مفهومی نامتکامل و یکسویه از پیشرفت را در زندگی فردی و اجتماعی در پیش گرفته که سهمی برای ارزش‌های اخلاقی لحاظ نمی‌کند.





عنصر تاریخ بهره می‌گیرد تا اندیشه را شور و حرکت و ژرفایی در عمق زمان و نهاد انسان ببخشد. و همچنین به عنوان سیاستمداری در مقام حکومت و امامت، رهنمودهای سیاسی‌اش را با دیدگاهی تاریخی توأم ساخته تا اندیشه خویش را شفاف‌تر سازد و افزون بر صداقت نظری، بدان صداقت عینی و گرمی و روشنی ببخشد.

مؤلف در فصل «تاریخ در زمینه فکر و اندیشه» مقدمه‌ای در بیان معانی فکر و ثراث (میراث) آورده است. وی می‌گوید هرچند روشنفکران مسلمان، تحت تأثیر اندیشه‌های غربی، اسلام را بیشتر فکری مرده و مربوط به گذشته (میراث، ثراث) می‌پندارند و نه یک راه و روش و برنامه‌ای برای زندگی، اما واقعیت این است که اسلام همچنان در دل و عقل اکثریت مسلمانان به عنوان طرز فکر و برنامه زندگی آنان، زنده و برقرار است.

از سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه بر می‌آید که عصر تاریخی انسان با پدیده ظهور انبیاء در جوامع بشری آغاز شده است. با شروع عصر نبوت انسان گامی بزرگ در حرکت خود به سمت تعالی و تکامل برداشت و زندگی اجتماعی از سطح مادی و زیستی و اتحاد خویشاوندی به مرتبه‌ای معنوی و وحدتی بر پایه ایمان و عقیده ارتقاء یافت و مناسبات غریزی جای خود را به منطق نظم و حاکمیت قانون داد. این حرکت در سیری تکاملی و صعودی ادامه یافت و با ختم نبوت به حضرت محمد (ص) به اوج خود رسید. بعثت انبیاء آن چنان که از قرآن کریم و سخنان امام استفاده می‌شود دو هدف عمده را پیش روی داشته است: یکی زنده کردن فطرت پاک انسانی و دیگر ایجاد توازن و تعادل در جنبه‌های رشد و فعالیت انسان از طریق ایجاد انگیزه‌های روحی و روانی و برانگیختن خرده‌های خفته.

برای این منظور انبیاء کوشیدند تا انسان را از فساد و گمراهی اعتقادی و فساد سیاسی - اجتماعی نجات دهند و ارزش‌ها و مفاهیمی نو را بر زندگی او حاکم سازند. از اینجاست که در تحلیل تاریخ پیامبران (ع) را باید پایه‌گذاران تمدن بشری به شمار آورد.

امام (ع) در سخنانی، وضع تأسف بار عرب را در آستانه ظهور پیامبر (ص) و تأثیر شگرفی را که دعوت اسلامی در زندگی آنان نهاده، به تصویر کشیده است. پیامبر (ص) آنان را از جهل و بدویت رها کرد و به جهانی از علم و ایمان راهنمایی کرد و پرچمدار رسالتی جهانی ساخت.

مؤلف در گفتار بعدی موضوع خودآگاهی تاریخی را به بحث گذارده است. وی می‌گوید: ایام و انساب، دو جنبه شخصیت تاریخی عرب‌ها بود. البته این پرتو کم سویی آگاهی از گذشته، به مرتبه و مفهومی از خودآگاهی تاریخی که امروزه از آن می‌فهمیم نمی‌رسد و لذا عرب‌ها هیچ‌گونه تجربه تاریخی ارزشمندی که از حوادث گذشته نشأت گرفته و در قالب نظم پیوسته زمانی و به صورتی مرتبط با هم درآمد باشند، نداشته‌اند. پس از اسلام، قرآن و حدیث نبوی به تدریج ریشه‌های تاریخ اعراب مسلمان را برای آنها آشکار ساختند و از طریق داستان انبیاء و امم گذشته و سیر شکوفایی و انحطاط و نابودی ملت‌ها، آگاهی مسلمانان را به ژرفای تاریخ خود تقویت کردند. امام علی (ع) از این منظر است که در موعظه و راهنمایی فکری و رهنمود سیاسی خود با تاریخ تعامل می‌ورزد. بسیاری از سخنان امام در نهج البلاغه پیرامون واژه‌هایی چون «ح ذر»، «ز ج ر» و «و ع ظ» و «ع ب ر» دور می‌زند و امام از آن طریق و به قصد تربیت و اصلاح فرد و جامعه افکار را متوجه تاریخ ساخته است.

«تاریخ تکرار می‌شود» عنوان مبحث بعدی است. در حقیقت، علل و اسباب واقعی که به پیدایی شیوه‌ای از حرکت در گذشته انجامیده، چنانچه در وضعیت فردی و اجتماعی کنونی فراهم گردد، تاریخ تکرار می‌گردد و با همان روح و آثار پیشین، لیکن با نام‌هایی نو ظهور می‌کند. از این دیدگاه است که امام در خطبه‌های خود، بازگشت ارزش‌ها و دو دستگی‌های طایفه‌ای و قبیله‌ای رایج عصر جاهلیت را در جامعه اسلامی مورد ملاحظه

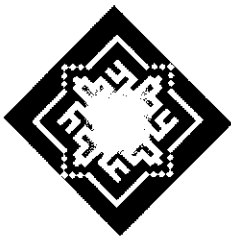
قرار داده و نسبت به پیامدهای خطرناک آن هشدار جدی داده است و با توجه به این واقعیت است که به ریشه‌یابی بسیاری از مشکلات جامعه خویش و بحران‌های اجتماعی، مانند شورش بر ضد عثمان، جنگ جمل، جنگ صفین، جنگ نهروان، و استیلای امویان، پرداخته و نابودی نسل‌های پیشین (مصارع القرون) و عوامل انحطاط ملت‌ها را مورد تحلیل قرار داده است. خطبه قاصعه (۱۹۲) بهترین نمونه‌ای است که امام (ع) در آن به مقایسه تاریخی پرداخته است و آسیب‌های اجتماعی عصر خویش را (مانند نزاع قبیله‌ای و نزاع نژادی) تبیین و درصدد درمان آنها برآمده است.

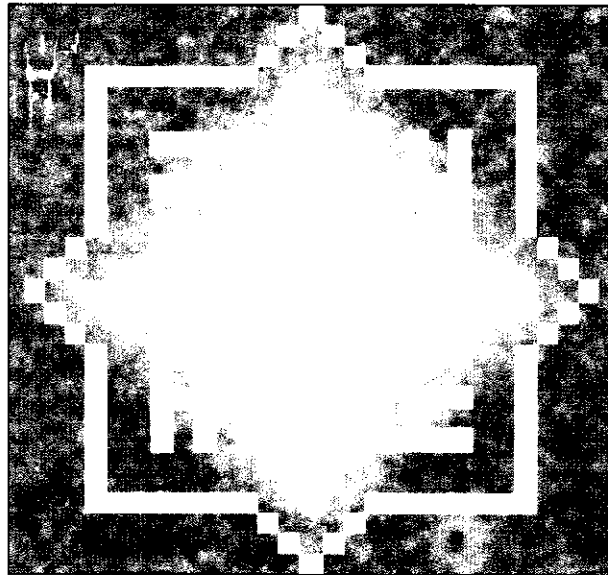
مؤلف در قسمت بعدی به بحث امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و بیان می‌دارد که این فریضه بزرگ دینی همواره از دلمشغولی‌های امام (ع) بوده است و در خطبه‌ها و سخنان بسیاری از زوایای گوناگون بدان پرداخته و در جهت احیای آن کوشیده است. سخنان امام در این خصوص پیرامون اهمیت، فلسفه و وجوب و مراتب امر به معروف و نهی از منکر دور می‌زند و مواضع متفاوت مردم را در برابر منکرات اجتماعی باز نموده است. از این رهگذر، امام می‌خواهد تا هم به امت آگاهی بدهد و دین را در نهاد او زنده بدارد و هم درصدد حل مشکلات سیاسی و فکری برآید. هم از این جهت از نخبگان فاسد و برجستگان بی‌مسئولیت و سهل‌انگار و راحت‌طلب سخت نالیده و آنان را به خیانت و نفاق متهم کرده است.

از سوی دیگر، امام سخت بر آن بود تا گروه‌های مردم را به جنبش درآورد و همواره به ابراز عقیده و موضعگیری وادارد. آن حضرت در این خصوص از روش مقایسه تاریخی بهره گرفته و یاد کرده است که چگونه مردمان گذشته، در نتیجه سبک شمردن این فریضه یا سستی در انجام آن، دچار لعنت الهی شدند. یادآوری داستان قوم ثمود و سرگذشت جمعی از بنی‌اسرائیل دو مثال تاریخی است که امام بدان‌ها اشاره کرده است. در مقابل، گروهی که امروزه در عرف سیاسی، اکثریت خاموش نامیده می‌شوند، با سکوت و بی‌تفاوتی در برابر وضع موجود، حق را فروگذارند و به جنایت رضایت داده است. به عقیده امام (ع)، این گروه از فرجام شومی که در اثر کوتاهی از امر به معروف و نهی از منکر در انتظار جامعه است، برکنار نیست. به این دلیل امام در یکی از ملاحظات آینده‌نگرانه خود (خطبه شماره ۱۴۷) جامعه را از خودباختگی فرهنگی و بیگانگی با اصول خویش برحذر داشته است.

«تاریخ در زمینه سیاست» فصل پایانی کتاب را تشکیل می‌دهد. مؤلف در این فصل، نحوه تعامل علی علیه السلام را با تاریخ در زمینه تعالیم سیاسی آن حضرت به بحث نهاده است. وی می‌گوید: سیاست از دید امام (ع) وسیله‌ای است برای برطرف کردن نقاط منفی گذشته و حال و فراهم آوردن آینده‌ای بهتر، در عین پایبندی و توجه به نقاط مثبت گذشته و حال. سیاست امام پیرامون اندیشه‌های متعالی دور می‌زند: ساختن انسان و جامعه‌ای مسلمان، کمال خواه، مقتدر، سعادتمند و تجسم‌کننده آرمان‌های والای انسانی. پس سیاست امام به تمام معنی انسانی است و خصلت‌هایی چون خودخواهی و افزون‌طلبی و سلطه جویی در آن جایی ندارد.

انسان‌ها تاریخ خود را گاه در زمان صلح و آرامش و گاهی در شرایط هیجان و انقلاب و احیاناً در زمان جنگ می‌سازند. امام علی (ع) حرکت تاریخ را به اقتضای شرایط زمانی، از بُعد دوم آن مورد ملاحظه قرار داده است. تحلیل امام از انقلابی که به قتل خلیفه عثمان انجامید، و شرایطی پرشور و هیجان که او را ناگزیر به پذیرش حکومت و رهبری ساخت، درسی زنده از حرکت تاریخ در شرایط ناآرام و در شکل مشارکت اجتماعی - انقلابی است. نویسنده در اینجا به معرفی سه گروه سیاسی - فکری که هر یک روشی متفاوت را در آغاز خلافت امام دنبال می‌کرد، پرداخته است: ۱) روش اسلامی ناب نبوی که علی (ع) نمایندنده آن بود. ۲) روش جاهلی آمیخته به اسلام که معاویه آن را رهبری می‌کرد. ۳) موضع مردم و سرگردان، که





فرهنگ عمومی هموار کرد و روابط داخلی جامعه را تحت تأثیر قرار داد. امام علی (ع) این وضع را پیش‌بینی کرده و در سخنانی نسبت به پیامدهای شوم آن هشدار داده بود.

«رنج و محنت» مردم که نتیجه اجتناب‌ناپذیر استیلاي فتنه است، موضوع بحث بعدی است. پس از پیروزی فتنه، حکومتی ناعادلانه سرکار می‌آید که ملت را زمینه‌ای برای سلطه جویی و منبعی برای مال‌اندوزی قرار می‌دهد و از آن پس، رنج و محنت ملت آغاز می‌گردد. فتنه، برخی را با فساد اخلاقی و بعضی را با ستم سیاسی و گروهی را با غارت اقتصادی آسیب می‌رساند. امام علی (ع) جنبه‌هایی از رنج و عذاب مردم را پس از پیروزی فتنه، در تصاویری زنده و گویا ترسیم کرده است.

«انقلاب» فراگیر و مردمی نقطه اوج ناراضی‌ت‌هاست که به دوران ظلم و فشار و فتنه پایان می‌دهد. کم‌کم بر جمع ناراضیان افزوده می‌شود؛ گروهی ظلم نظام فتنه را به جهت منافع شخصی و بعضی به دلیل یابمال شدن منافع قومی و قبیله‌ای و دسته‌ای نیز ظلم فتنه را از منظر آرمان و عقیده می‌نگرند. امام با دید نافذ خود می‌دید که انقلابی به وقوع خواهد پیوست و به فتنه بنی‌امیه خاتمه خواهد داد و حکومتی دیگر (دادگر یا ستمگر) را جایگزین آن خواهد نمود.

«امید» پایان بخش مباحث کتاب است. براساس اصل ثابت در تفکر اسلامی و طبق نویدهای روشن در قرآن کریم و احادیث نبوی مبنی بر «گشایش فراگیری که خواهد آمد و پس از استیلاي ستم، عدل را خواهد گسترد» امام علی (ع) نور امید را می‌دید و نوید می‌داد که گشایش و رهایی بی‌تردید خواهد آمد. چنین امید بزرگی که امام (ع) نوید تحققش را می‌دهد، در انقلاب جهانی مهدی (عج) تجسم می‌یابد که وضع جهان اسلام و سپس تمام جهان را بهبود می‌بخشد. در نهج‌البلاغه سخنانی تقریباً اندک وجود دارد که ویژگی‌های این امید را مشخص می‌سازد.

روبه‌مرفته، حرکت تاریخ از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، کتابی است ارزشمند که با شیوه‌ای تحلیلی و موشکافانه به بررسی جریان تاریخ و نمودهای تکرار آن، با مراجعه و استناد به سخنان گهربار امام علی در نهج‌البلاغه پرداخته است. مؤلف بانوجه به سابقه تدریس تاریخ به دانشجویان، روی نقاطی اساسی از تاریخ، در پرتو کلام امام علی (ع)، توجه نموده که همواره می‌تواند در ریشه‌یابی و حل مشکلات اجتماعی آموزنده و چاره‌ساز باشد. کتاب در عین استواری بیان، سبکی روان و تأثیرگذار دارد.

در مقابل سنت‌های جاهلی برخوردی محافظه کارانه و دوپهلوی داشت و کسانی همچون سعد بن ابی‌وقاص و عبدالله بن عمر آن را نمایندگی می‌کردند. امام علی (ع) ضمن خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار در تبیین روش ناب نبوی و افشای چهره جاهلیان مسلمان نما و افراد بی‌ثبات و سرگردان سعی بلیغ نمود.

بحث «فتنه» یکی از آموزنده‌ترین گفتارهای کتاب است. تعبیر فتنه آنجا که به خداوند نسبت داده می‌شود، مقصود آزمایش و امتحان الهی به وسیله نعمت‌ها یا سختی‌هاست و مفهومی مثبت دارد و لازمه زندگی است. اما فتنه در ارتباط با حرکات تکاملی اسلام، مفهومی منفی دارد و پدیده‌ای سیاسی - تاریخی است و ساخته دست انسان است. امام علی (ع) فتنه را به عنوان پدیده‌ای سیاسی مورد بررسی قرار داده و نحوه پیدایی، رشد و انتشار آن را تحلیل کرده است و رهنمودهایی درباره موضوع مناسب در برابر فتنه داده است. نویسنده از بررسی و مقایسه گفتارهایی از نهج‌البلاغه سه نوع فتنه را مشخص نموده است:

۱. فتنه فراگیر: نظامی فکری است که بر ارزش‌های پوچ فکری و اخلاقی مبنی باشد، و بر جامعه‌ای متمدن یا بدوی سایه گستر شود. در چنین فتنه‌ای جامعه از حیات معنوی سالم بی‌بهره است، روحیه تردید بر افراد و گروه‌ها حاکم است و جامعه دچار دسته‌بندی‌ها و منازعات است.

۲. فتنه انفاقی، لغزشی است که گاه در ضمن حرکت جامعه پدید می‌آید و برخی افراد را دچار ابهام و سرگردانی می‌کند. از جمله فتنه‌های انفاقی، حادثه اُفک (با صبغیه اخلاقی) و ماجرای سقیفه (با رنگ سیاسی) است.

۳. فتنه غالب که پایین‌تر از فتنه فراگیر و بالاتر از فتنه انفاقی جای می‌گیرد. این فتنه در پی هرج و مرج سیاسی - عقیدتی روی می‌دهد و در سطح جامعه ریشه می‌دواند. نمونه چنین فتنه‌ای در تاریخ اسلام، فتنه بنی‌امیه بود که در اواخر خلافت عثمان رو به تزايد گذاشت و پس از شهادت امام علی (ع) با شدتی بیشتر ادامه یافت. برخورد با این فتنه خطرناک و مخرب، که در جهت مسخ اسلام و محو ارزش‌ها عمل می‌کرد، بیشترین تلاش‌های امیرمؤمنان را در واپسین سال‌های حیاتش به خود اختصاص داده بود.

«پیروزی حرکت ارتداد» عنوان گفتار بعدی است. منظور مؤلف در اینجا، برگشت سیاسی و فکری است. وقتی پس از شهادت امیرمؤمنان (ع) فتنه چیره گشت، راه را برای تحمیل ارزش‌های فکری و اجتماعی خود در

